



اوضاع کنونی جهان روز به روز برای طبقه کارگر و زحمتکشان بدتر و فلاکت بار تر میشود. استثمار، فقر، بیکاری، بی حقوقی و دیکتاتوری طبقه سرمایه دارگلو طبقه کارگر و زحمتکشان را در خود میفشرد نظام حاکم در بحران عمیقی فرورفته است. عملاً ثابت شده است که این سیستم راه حل بیرون رفت دائمی از بحران را نداشته و نخواهد داشت. بورژوازی و مبلغان رنگارنگ آن شبانه روز مشغول باوه گو بی و دروغ برآکنی در مورد اینکه راه حلی به جز پذیرفتن همین شرایط برای کارگران و زحمتکشان وجود ندارد می باشند. وانمود می کنند که بهترین راه حل قبول همین وضعیت میباشد. به توده های کارگران پورتلقین میکنند که هرتلاشی برای تغییر اساسی و پایه ای شرایط زند گیشان به نتیجه ای نخواهد رسید.

انقلاب اجتماعی (سو سالیستی) را توهم و تخیلی بیش نمیدانند و طبقه کارگر و محرومان را از دست زدن به "انقلاب اجتماعی" برحذر می دارند. مقولاتی چون "انقلاب سوسیالیستی" "دیکتاتوری پرولتاریا" و "مبارزه طبقاتی" را امری محال و دور از ذهن می دانند. بر خلاف این ادعای پوچ بورژوازی و نمایندگان و تنوریسینهای آن، طبقه کارگر و متحدانش در اکتبر 1917 در روسیه عملاً ثابت کردند که انقلاب پرولتاری امکان پذیر است و سیستم استثمار، سرکوب، بی حقوقی، یعنی سرمایه داری جا ودانه نمیشد.

در مقابل ادعای غیر ممکن بودن "انقلاب اجتماعی"، طبقه کارگر به ایجاد حکومت مورد نظر خود، دیکتاتوری پرولتاریا دست زد و با حزب سازمانده و رهبری کننده خود یعنی حزب کمونیست (بلشویک) زمام امور جامعه را در دست گرفت و برای تحقق جامعه ای عاری از استثمار و بردگی کار مزدی به تلاشهای بیسابقه ای دست زد و برای همیشه به این ادعای بورژوازی مبنی بر "غیر ممکن بودن" وقوع انقلاب اجتماعی و پیشروی "کمونیسم" مهر بطلان زد و به کابوس سیستم سرمایه داری یعنی بدیل آن "دیکتاتوری پرولتاریا" جامعه عمل پوشاند و به تمامی کارگران و زحمتکشان دنیا ثابت کرد که کمونیسم و انقلاب اجتماعی (سوسیالیستی) به رهبری حزب کمونیست و پرولتاریای آگاه نه تنها غیر ممکن نیست بلکه عملی نیز میباشد.

انقلاب اکتبر بزرگترین، باشکوهترین، عمیق ترین، و مهمترین انقلاب طبقه کارگر به رهبری حزب کمونیست روسیه (بلشویک) در طول تاریخ مبارزه طبقاتی این طبقه بر علیه استثمارگران خود یعنی بورژوازی و حامیان آن میباشد. انقلاب شکوهمند اکتبر به همه استثمار شدگان در سراسر جهان نشان داد که انقلاب اجتماعی نه تنها ضروری بلکه امکان پذیر می باشد و برای همیشه به دروغهای بورژوازی خاتمه داده و بذ امید به آینده روشن و عاری از استثمار را در ذهن و ضمیر و قلب آگاه طبقه کارگر بانشید.

بورژوازی همصدا با فرمیستها، انارشیبستها، طرفداران جنس خودانگیختگی و تردیدو نیستی طبقه کارگر، کمونیسم شورانی (ضد حزب کمونیستی کارگران و انتی بلشویزم) حامیان انواع اقسام مدلهای دموکراسی و جمهوری خواهی (انقلاب اکتبر را مورد انتقاد قرار داده اند، بلشویک ها را دیکتاتوران حزبی و کودتا گرانی که تشنه قدرت و ماجراجویی بوده معرفی کرده و لنین این رهبر راستین پرولتاریا را منم به قدرت طلبی نموده اند. بورژوازی و روشنفکران طرفدار اوبه طور کلی برایشان غیر قابل تصور بوده و است که کارگران و زحمتکشان به پا خاسته و سیستم مورد نظر حکومتی خود را ایجاد کنند (سوسیالیسم).

در دوران قبل و بعد از انقلاب اکتبر طبقه کارگر روسیه و دولت شوراهای با شرکت میلیونی و آگاهانه خود ثابت کرد که می تواند با آگاهی کامل وارد صحنه مبارزه طبقاتی شده و تشنه تغییرات و یادگیری و رشد و پیشروی بوده در این دوران جامعه به سرعت رو به پیشروی بوده و به جلو می رفت.

انقلاب اکتبر توانایی های بیش از حد طبقه کارگر را در این دوران و پس از آن به نمایش گذاشت و نشان داد که طبقه کارگر به رهبری حزب طبقاتی خویش کاملاً توانایی، صلاحیت و قدرت رهبری و پیشبرد و هدایت جامعه را به شکلی عالی و درست به نفع استثمار شدگان را دارد و احتیاجی به بورژوازی و دولت سرکوبگر و استثمار گر او را ندارد.

بورژوازی سالهای متمادی با دروغ و فریب به توده های کارگرو زحمتکش این ایده را که "دموکراسی" تنها در سایه و تحت سیستم و دولت سرما به داری امکان پذیر است را تلقین کرده و میکند ولی انقلاب اکتبر نشان داد که عالیتترین، وسیعترین و مستقیم ترین دموکراسی برای کارگران و زحمتکشان تنها در شکل دیکتاتوری پرولتاریا با شرکت اکثریت افراد جامعه (کارگران و زحمتکشان) امکان پذیر میباشد و نه با حکومت اقلیتی (سرمايه داران) که هر 4 سال یکبار با انتخابات فرمایشی بر سر کار می آیند و در پارلمان بورژوازی به تصویب قوانین ضد کارگری و از بالای سر طبقه کارگر بر او حکومت میکنند.

پرولتاریای روسیه راهی بسیار طولانی و آگاهانه را برای رسیدن به هدف خود پیمود و با استفاده از تئوری و تجارب تاریخی-انقلابی پرولتاریا و علم مبارزه طبقاتی (مارکسیسم) ثابت کرد که طبقه کارگر با انقلاب خود میتواند تمام احاد جامعه را از فید اسارت سرمايه رهایی بخشد.

دولت تازه تشکیل شده پرولتری در شوروی (دیکتاتوری پرولتاریا) که حاصل این تجربه تاریخی (انقلاب اکتبر 1917) استعمار شدگان بر علیه استثمارگران بود متأسفانه به دلیل در محدوده ملی ماندن آن، ایزوله شدن و عدم وقوع انقلاب در المان و سایر کشورها تنها مانده و در نهایت از هدف اصلی خود دور شد و به شکست انجامید، مسئله ای که لنین اهمیت انرا به خوبی میدانست و پیش بینی کرده بود، او در ژانویه 1918 در برابر سومین کنگره شوراهای تکرار کرد: "من دچار توهم نیستم و می دانم که ما تازه به مرحله گذار به سو سیالیسم قدم گذاشته ایم، و هنوزنا مرحله گذار از سرمايه داری به سو سیالیسم راه درازی در پیش داریم. ما امید نداریم که این مرحله را بدون کمک پرولتاریای بین المللی سپری کنیم."

بنابراین لنین در اهمیت انقلاب پرولتری در سایر کشورها برای استحکام و بر پا ماندن انقلاب اکتبر در کشور شورا ها بخوبی آگاه بود و به "کمونیسم ملی" و بورژوازی (استالین) اعتقادی نداشت و بدرستی از حیاتی بودن انقلابات پرولتری در المان و سایر کشورهای اروپا برای کمک به دولت نوپای شوروی مطلع بود. او امید فراوانی به وقوع انقلاب پرولتری در المان داشت و اینکه پرولتاریای المان به کمک پرولتاریای شوروی خواهد شتافت.

انقلاب اکتبر و دولت جوان شوراهای سرکوب و شکست پرولتاریای المان و به قتل رساندن رهبران واقعی آن (کمونیستهای انقلابی چون رزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنخت) با همدستی رفرمیستهای انتر ناسیونال دوم (حزب سوسیال دموکرات المان) و با هجوم و حمله همه جانبه ارتجاع و سرمايه جهانی و گارد سفید، از درون و بیرون با رشد و تسلط رفرمیسم و ناسیونالیسم (بورژوازی) در حزب، عدم انقلابات پرولتری در المان و سایر کشورها، تنها ماند و نتوانست به پیشروی عملی خود در سطح اروپا و جهان ادامه دهد. سرانجام لغزید و به بیراهه کشیده شد و به جای آن سرمايه داری دولتی در شوروی حاکم گردید.

این شکست ضربه بسیار عظیم و مهلکی به پرولتاریای شوروی، جهان، و مبارزان کمونیست و تمامی بشریت سر کوب شده که انقلاب اکتبر امید به رهایی را در درون آنها بارور کرده بود وارد کرد. ولی با وجود شکست آن، این تجربه مشخص پرولتاریا (انقلاب اکتبر) به عنوان گنجینه ای با ارزش با درسهای بسیار مهم و فراموش نشدنی در اختیار پرولتاریای جهانی قرار دارد و او در آینده نزدیک از آنها به عنوان قطب نمای خود استفاده خواهد کرد. این درسها و تجارب همچنان درستی و حقانیت خود را دارا میباشند و در آینده به انقلاب پرولتری در ایران و سایر کشورهای جهان، به طبقه کارگر برای تحقق دولت پرولتری کمک خواهند کرد. راه دشوار ولی ناممکن و دور نیست.

یاد و خاطره انقلاب اکتبر گرامی باد
زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر

بنفشه کمالی 2009-10-15
<http://shadochdt.wordpress.com>
banafshekamali@gmail.com